

نشست پانزدهم: حکمرانی و مدیریت دارایی‌ها و بدهی‌های دولت

خلاصه مدیریتی

الف) مقاله «ترازنامه‌های بخش عمومی: فرصت‌ها و ریسک‌های موجود در آن»؛

جیسن هریس^۱

۱. در ترازنامه بخش عمومی در سطح جهانی که تجمیعی از ترازنامه‌های کشورهاست، دارایی‌های بخش عمومی ۲۱۶ درصد و تعهدات بخش عمومی ۱۹۵ درصد از GDP جهانی را تشکیل می‌دهد. بر این اساس، بخش عمومی در سطح جهانی به صورت کل دارای ارزش خالص مثبت به میزان ۲۱ درصد از GDP جهانی است. ترکیب دارایی‌های بخش عمومی تجمیعی هم نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از آن را دارایی‌های مالی (۹۷ درصد از GDP جهانی) تشکیل می‌دهد. همچنین ترکیب تعهدات بخش عمومی بیانگر آن است که بدهی دولت صرفاً نصف این تعهدات است و تعهدات بازنشستگی و شرکت‌های دولتی به دیگران نیز از اجزاء مهم آن به شمار می‌آیند.

۲. بررسی ترازنامه‌های کشورها به صورت انفرادی حاکی از آن است که دو سوم کشورها دارای تراز مثبت هستند، یعنی در واقع بخش دارایی‌های آنها بزرگتر از بخش تعهدات آنهاست. در بین این کشورها، کشورهای دارای منابع طبیعی مانند روسیه، نروژ، قزاقستان و استرالیا دارای بهترین ترازنامه‌ها هستند.

۳. یکی از عناصر جدید در ترازنامه بخش عمومی، دارایی‌های غیرمالی است که کشور ژاپن بالاترین دارایی‌های غیرمالی نسبت به GDP خودش را داراست و از این حیث السودان و گواتمالا در پایین‌ترین جایگاه قرار دارند.

۴. از دیگر عناصر جدید در ترازنامه بخش عمومی، دارایی‌های طبیعی است که پرداختن به آنها می‌تواند به شناسایی این دارایی‌ها و همچنین حفظ، نگهداری و مدیریت آنها کمک کند. علیرغم اینکه معمولاً میزان درآمد به دست آمده از این دارایی‌ها برای دولت‌ها در هر سال مالی مورد توجه

۱. Jason HARRISE، رئیس دپارتمان امور مالی و همچنین نماینده صندوق بین‌المللی پول



- قرار می‌گیرد، باید توجه شود که فروش این دارایی‌ها به معنای کاهش ثروت دولت‌هاست.
۵. اهمیت ثروت عمومی در این است که با مدیریت صحیح آنها می‌توان ۳ درصد در سال به GDP افزود.
 ۶. یک ترازنامه قوی می‌تواند باعث بهبود GDP و کاهش نرخ بهره بانکی شود. در واقع، کشورهایی که دارای ارزش خالص بالایی در اقتصادشان هستند، میزان بهره کمتری را پرداخت می‌کنند.
 ۷. یک ترازنامه قوی به دولت‌ها امکان تاب‌آوری بیشتر و عکس‌العمل به موقع در شرایط بحرانی را می‌دهد. در دوران بحران همه‌گیری کووید-۱۹ کشورهای دارای ترازنامه با ظرفیت بالاتر، توانستند حمایت‌های بهتر و قوی‌تری از بخش خصوصی داشته باشند.
 ۸. تحلیل ترازنامه بخش عمومی به شفافیت و پاسخگویی کمک می‌کند و به دولت‌ها امکان تشخیص و مدیریت ریسک و ارزیابی سیاست‌ها را می‌دهد و می‌تواند منافع کلان‌زادی را به دنبال داشته باشد.
 ۹. دارایی‌های عمومی اساساً در راستای ارائه خدمات بهتر بخش عمومی به آحاد جامعه به کار گرفته می‌شوند اما این نوع دارایی‌ها باید به نوعی به لحاظ مالی هم سودآور باشند. از این منظر، برقراری توازن بین سود مالی و مزایای غیرمالی این دارایی‌ها، حائز اهمیت است.
 ۱۰. کشور نیوزیلند برای مواجهه با کسری بودجه و دیون خودش، دارایی‌های عمومی را به سه دسته اجتماعی، مالی و تجاری تقسیم کرد و دارایی‌های مالی را برای تسویه دیون و دارایی‌های تجاری را برای پیش‌برد امور تجاری خودش مورد استفاده قرار داد.
 ۱۱. ریسک مالی تنها ریسکی نیست که بنگاه‌های دولتی با آن مواجه هستند، بلکه اگر اختلالی در عملکرد آنها ایجاد شود، این خودش باعث می‌شود بسیاری از ذی‌نفعان و سرمایه‌گذاران در این بنگاه‌ها عقب‌گرد کنند.

ب) دیدگاه اعضای نشست

۱. مهدی بنانی: ترازنامه خروجی یک سیستم حسابداری است. پس برای اینکه ما یک ترازنامه کامل و خوب داشته باشیم باید از مبنای حسابداری درستی برای شناسایی رویدادهای مالی، دارایی، بدهی و ... استفاده کنیم.
۲. مهدی بنانی: تبدیل یک مبنای نقدی به یک مبنای تعهدی یک برنامه ده ساله است که در کشور از سال ۱۳۹۴ شروع شده است. ایتالیا و نیوزیلند جز کشورهای پیش‌رو در این حوزه هستند.
۳. مهدی بنانی: در ایران تقریباً سه یا چهار سالی است که ترازنامه به معنای واقعی در خزانه‌داری کل تهیه می‌شود و کار تلفیق صورت‌های مالی اجزاء بخش عمومی از گام‌های آخر است. در واقع ما خیلی با بحث ترازنامه بخش عمومی فاصله نداریم.
۴. مهدی بنانی: در تدوین ترازنامه بخش عمومی سؤال مهم این است که بخش عمومی شامل چه





- اجزائی است؟ لذا در کشور براساس طبقه‌بندی صندوق بین‌المللی پول برای اولین بار تعریفی از بخش عمومی در لایحه مدیریت بدهی‌ها ارائه شد، به این صورت که بخش عمومی شامل یک هسته مرکزی یعنی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی است که به این هسته شرکت‌های دولتی، شهرداری‌ها و در واقع نهادهای عمومی غیردولتی، شرکت‌های مالی دولتی نظیر بانک‌ها و در نهایت آنهایی که قسمت عمده سهام‌شان دولتی است و دولتی محسوب می‌شوند، اضافه می‌گردد.
۵. فاطمه دادگر: در حال حاضر در کشور سامانه‌ای برای ثبت اموال وجود دارد که امکان ثبت اموال مثلاً شهرداری‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی به صورت مجزا امکان‌پذیر است. در عین حال که دخالتی در مدیریت این اموال نمی‌شود اما این اطلاعات برای اینکه دولت بداند به ازای ارائه خدمات عمومی چه میزان دارایی دارد، حائز اهمیت است.
۶. فاطمه دادگر: بخش عمومی مایک بخش منحصربه‌فردی است که در برخی موارد درک آن برای صندوق بین‌المللی پول سخت بود. اموال تملیکی، انفال، اموال موات و ... جزء آن دسته موضوعاتی هستند که این درک را دشوار می‌کنند تا حدی که حتی در بخشی از این اموال با ثبت آنها در سامانه اموال مقاومت می‌شود.
۷. نیلوفر دمنه: در شرایط عدم وجود نگاه ترازنامه‌ای، دولت‌ها می‌توانند بخشی از عملیات مالی خودشان را به خارج بودجه منتقل کنند و افشاء نکنند. این موضوع می‌تواند هم اثر توری داشته باشد و هم انضباط‌های مالی بودجه‌ای را به هم می‌زند. بنابراین، نگاه ترازنامه‌ای به واسطه افشای هزینه‌ها و تأثیر بر انضباط پولی و مالی برای ما مهم است.
۸. نیلوفر دمنه: قاعده‌گذاری و محدود کردن تضامین در زمان ارائه بودجه و در سند بودجه به عنوان گام بعد از احصاء این تضامین خیلی مهم است.
۹. حسین قربان‌زاده: بهبود کیفیت حکمرانی دارایی تجاری دولت غایت ما تلقی می‌شود و طبیعتاً با واگذاری‌ها به اشکال مختلف باید به آن برسیم.



مقدمه

در چهارمین روز از نخستین رویداد بین‌المللی خصوصی سازی در اقتصاد ایران در تاریخ ۱۴۰۱/۰۳/۰۳ چهار نشست تخصصی برگزار شد. دومین نشست در سالن (۱) درباره «حکمرانی و مدیریت دارایی‌ها و بدهی‌های دولت» بود. این نشست پانزدهمین نشست تخصصی بود که ریاست آن را آقای حسین قربان‌زاده، رئیس کل سازمان خصوصی سازی بر عهده داشتند و آقای مهدی بنانی، خانم فاطمه دادگر، خانم دمنه و آقای روشن فکر از اعضای این نشست بودند.

در این نشست یک مقاله تحت عنوان «ترازنامه‌های بخش عمومی: فرصت‌ها و ریسک‌های موجود در آن» توسط آقای جیسن هریس ارائه شد. ایشان رئیس دپارتمان امور مالی و همچنین نماینده صندوق بین‌المللی پول هستند.

در ادامه در ابتدا سخنرانی مقاله مذکور و سپس، دیدگاه هر یک از اعضای نشست در خصوص مطالب بیان شده است.

مقاله ترازنامه‌های بخش عمومی: فرصت‌ها و ریسک‌های موجود در آن

نویسنده و ارائه‌دهنده: جیسن هریس^۱

کاری که می‌خواهم اینجا ارائه بدهم این است که یک گام به عقب بردارم و در راستای خصوصی سازی صحبت کنم و آن بحث ترازنامه‌های بخش عمومی و همچنین موقعیت‌ها و همچنین ریسک‌هایی است که در آن وجود دارد. در واقع گزارشی که در سال مالی گذشته توسط صندوق بین‌المللی پول منتشر شد، تحت عنوان «مدیریت ثروت عمومی» بود که من در این ارائه با اقتباس از این گزارش می‌خواهم تأکید بیشتری بر مبحث بدهی‌ها و کسری بودجه دولت‌ها داشته باشم.

در حقیقت شرکت‌های عمومی نقش بسیار مهمی دارند و ما باید بدانیم که این شرکت‌ها در کنار مزایای بسیار زیادی، در عین حال چه ریسک‌های برای بخش عمومی ایجاد می‌کنند. این موضوع را علی‌الخصوص با نگاهی بر ترازنامه‌های بخش عمومی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

در این ارائه برای بیان مطالبم سعی می‌کنم مباحث را در سه سرفصل کلی ساماندهی نمایم. به این ترتیب که با تعریفی از ترازنامه بخش عمومی شروع می‌کنم و در خصوص اینکه ترازنامه بخش عمومی چیست، چه ویژگی‌هایی دارد و به چه دلیل مهم است، بحث می‌کنم. سپس یک نگاه کلان به این مسأله می‌کنم، از این حیث که چرا این موضوع اهمیت دارد و باید به این نوع ترازنامه‌ها توجه کنیم. آنچه که مورد بررسی قرار خواهیم داد موقعیت‌ها و ریسک‌های این ترازنامه‌هاست و در واقع ابزاری را در اختیار شما قرار خواهیم داد تا شما بتوانید یک بررسی بهتری از این نوع ترازنامه‌ها داشته باشید و بتوانید آنها را به کار بگیرید. یکی از نکات مهم این است که حرکتی رو به جلو به سمت مبحث مربوط به بدهی‌ها و کسری بودجه داشته باشم و هدف هم این بود که یک نگاه جامع برای مبحث مالیه عمومی فراهم کنم. یکی دیگر از کارهای صورت گرفته در این مقاله این بود که در واقع آمدم یک روشننگری در ارتباط با بحث دارایی‌ها و همچنین تعهدات (دیون) بخش عمومی در چارچوب ترازنامه بخش عمومی کل انجام دادیم. به این ترتیب که داده‌های مربوط به ترازنامه‌های بخش عمومی که در دست داشتیم را جمع کردیم و همه آنها را تبدیل به یکسری داده کل کردیم تا اینکه به یک منبع واحد رسیدیم. همچنین ارتباط بین بحث اقتصاد کلان با ترازنامه‌ها و همچنین تأثیر این ترازنامه‌ها بر خروجی نهایی و همچنین میزان تاب‌آوری اقتصادی و درآمدهای بالقوه را مورد محاسبه و بررسی قرار دادیم. کار دیگری که انجام دادیم این بود که در حقیقت برای بررسی این ترازنامه‌ها یک چارچوب مفهومی ایجاد کردیم، با هدف اینکه بتوانیم در حقیقت سیاست‌های مالی را و همچنین مدیریت بهتر ریسک‌های مالی را بهبود ببخشیم. بنابراین، در این ارائه تا آنجا که وقت اجازه بدهد به این مطالب می‌پردازم.

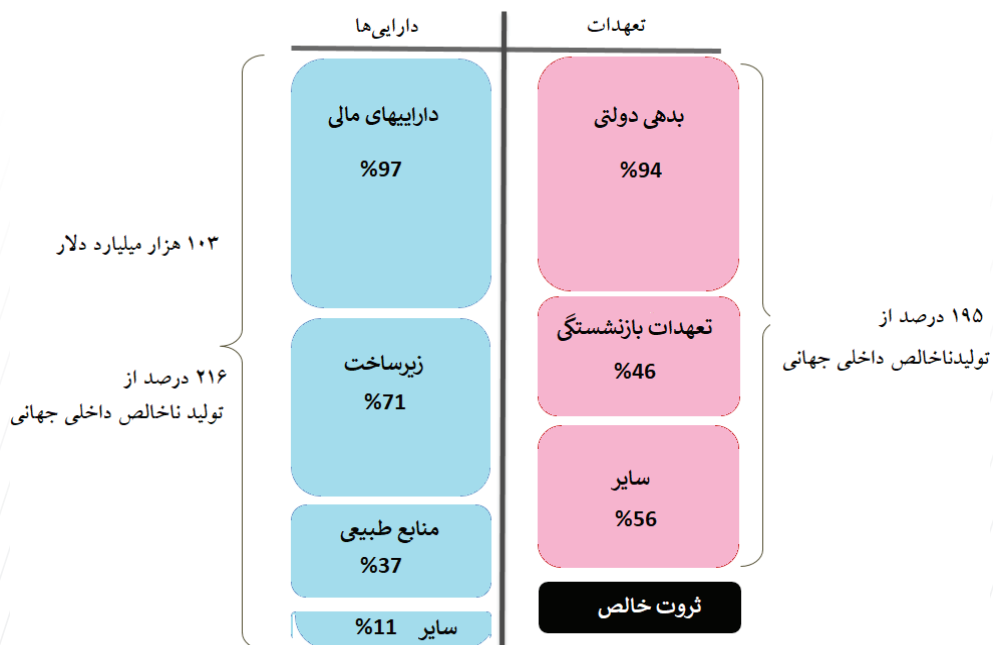
۱. Jason Harsie، رئیس دپارتمان امور مالی و همچنین نماینده صندوق بین‌المللی پول



الف) ترازنامه بخش عمومی و اهمیت آن

ترازنامه بخش عمومی در سطح جهانی

در شکل (۱) طرحی شماتیک از ترازنامه بخش عمومی در سطح جهان نمایش داده شده است. در سمت چپ این شکل، تجمیع دارایی‌های بخش عمومی در سطح جهان را مشاهده می‌کنید. همانطور که مشخص است، حجم دارایی‌های دولت‌ها بسیار بزرگ است و تجمیع آنها در سطح جهانی یک چیزی حول و حوش ۱۰۳ تریلیون دلار است که ۲۱۶ درصد از سهم GDP جهانی را به خودش اختصاص داده است. بنابراین، اگر دارایی‌ها و این اموال به درستی مدیریت شوند، می‌توانند تا حد زیادی به رشد و بالندگی اقتصادی کشورها و بخش عمومی کمک کنند. حالا سؤال این است که این دارایی‌ها و یا در واقع ثروت عمومی از کجا به وجود می‌آید؟ همانطور که از شکل (۱) مشخص است، ۹۷ درصد آن به صورت دارایی‌های مالی است که دولت‌ها برای آن تسلط دارند یا مالک آن هستند؛ ۷۱ درصد از آنها هم دارایی‌های عمومی شامل زیرساخت‌ها مثل راه‌ها، بیمارستان‌ها و غیره است و در نهایت منابع طبیعی هم سهم ۳۷ درصد را تشکیل می‌دهند. البته این رقم سهم منابع طبیعی در کشورهایی که از لحاظ منابع انرژی و منابع طبیعی، غنی هستند، بسیار بالاتر است.



شکل ۱. ترازنامه بخش عمومی در سطح کل جهان



بخش قابل توجهی از ثروت عمومی در جهان به شکل دارایی‌های مالی و زیرساخت است.

در سمت راست شکل مذکور شما تجميع ديون يا تعهدات بخش عمومي در سطح جهاني را مي بينيد كه در مجموع ۱۹۵ درصد از توليد ناخالص داخلي جهاني را تشكيل مي دهد. البته در كشورها به اين بحث ديون كمتر توجه مي شود و معمولاً بيشتر نگاه ها به سمت بدهي هاي دولتي است. با اين حال همانطور كه مشاهده مي كنيد بدهي دولت ۹۴ درصد يا تقريباً نصف ديون دولت هاست و ۴۶ درصد از آن به يكي ديگر از ديون يعني پرداخت دستمزدها و حق بازنشستگي مربوط است كه دولت ها به نوعي آن را به كاركنان خودشان بدهكار هستند. به علاوه، بخش بزرگي ديگر از اين ديون (۵۶ درصد)، در حقيقت ديوني است كه بنگاه هاي دولتي به ديگران بدهكارند و در قالب ساير ديون طبقه بندي شده اند.

در كشورها به بحث ديون كمتر از بدهي هاي دولتي توجه مي شود اما بدهي دولتي فقط نيمي از ديون را تشكيل مي دهد.

ترازنامه بخش عمومي در كشورها به صورت انفرادي

در شكل (۲) تصويري از ترازنامه هاي بخش عمومي براي كشورهاي مختلف ارائه شده است. اين ترازنامه هاي بخش عمومي در حقيقت به طور خيلي واضح و مشخص براي ما توضيح مي دهند كه ماليه عمومي هر دولتي به چه سمت و سويي در حال حركت است. آنچه كه اينجا مشاهده مي كنيم اين است كه تعداد زيادي از اين ترازنامه ها با ابعاد و اندازه هاي مختلفي هستند. يك نشانگر كه ارزش خالص اين ترازنامه ها را به ما نشان مي دهد، بيانگر آن است كه دو سوم كشورها داراي تراز مثبت هستند، يعني در واقع بخش دارايي هاي آنها بزرگتر از بخش در واقع ديون يا تعهدات آنهاست. ولي بسياري از كشورهاي GV را مي بينيم كه در واقع ديونشان بيش از دارايي هاشان هست. در اين كشورها ماليه عمومي آنها همانند ماليه شركت ها اداره نمي شود تا به اين نياز داشته باشند كه قطعاً بايد دائماً ترازنامه مثبت داشته باشند و اين نکته بسيار مهمي است كه ما بايد آن را مورد توجه قرار بدهيم.

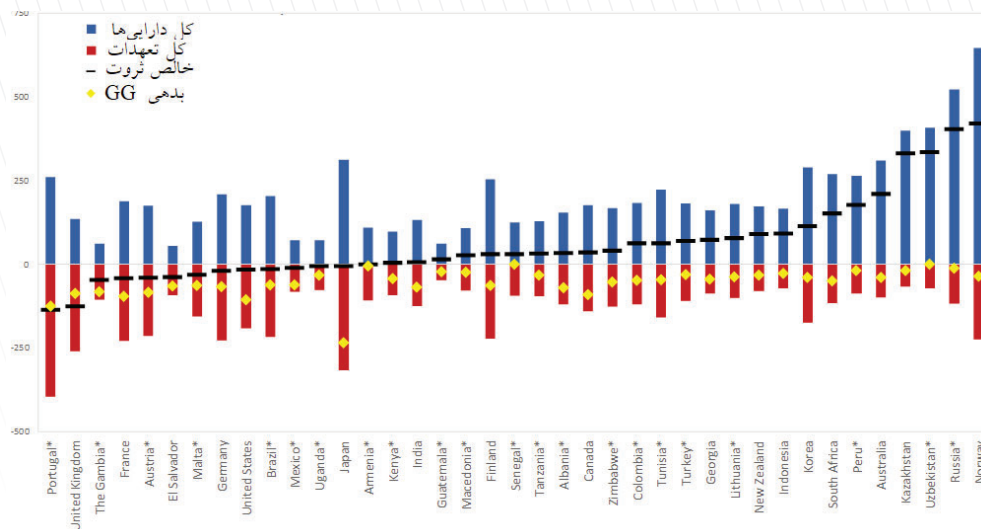
ترازنامه هاي بخش عمومي توضيح مي دهند كه ماليه عمومي هر دولتي به چه سمت و سويي در حال حركت است.

در سمت راست اين شكل شما كشورهاي نروژ، روسيه، قزاقستان و استراليا را با بهترين ترازنامه ها مي بينيد و ما در ادامه نشان مي دهيم كه اين كشورها جزء آن دسته كشورهائي هستند كه به منابع طبيعي غني دسترسي دارند. همچنين در اين نمودار كشورهائي مثل نيوزيلند و بریتانیا وجود دارند كه داده هايي





با کیفیت، شفاف و مشخص را در ترازنامه‌های خودشان ارائه می‌کنند.



شکل ۲. ترازنامه بخش عمومی در کشورها برحسب درصدی از GDP

بنابراین، در شکل (۲) ما ترکیبی از کشورها با شرایط متفاوت، از کشورهای توسعه‌یافته‌تر تا کشورهای کمتر توسعه‌یافته را می‌بینیم. ما می‌توانیم این نتیجه کلی را بگیریم که ترازنامه کل بخش عمومی در دولت‌ها می‌تواند برای تمام کشورها با تمام شرایط اقتصادی فراهم و تهیه شود. در واقع، این ترازنامه‌های بخش عمومی به ما کمک می‌کند تا بتوانیم یک نگاه اجمالی بهتری به بحث بنگاه‌های دولتی و همچنین ارزش‌گذاری این نهادها و بنگاه‌ها داشته باشیم.

ترازنامه بخش عمومی برای تمامی دولت‌ها با شرایط مختلف اعم از توسعه یافته یا در حال توسعه قابل تدوین است.

عناصر جدید در ترازنامه بخش عمومی

در این قسمت نگاهی به عناصر جدیدی که در ترازنامه‌های بخش عمومی مورد بررسی قرار می‌گیرند، خواهم داشت. اولین عنصر، دارایی‌هایی بخش عمومی است که از یک طرف شامل دارایی‌های غیرمالی مانند زیرساخت‌ها، امکانات حمل و نقل عمومی، جاده‌ها، بیمارستان‌ها و سایر اجزای زیرساختی هستند. همانطور که در شکل (۳) مشاهده می‌کنید، کشور ژاپن بالاترین دارایی‌های غیرمالی نسبت به GDP خودش را داراست و از این حیث السوادور و گواتمالا در پایین‌ترین جایگاه قرار دارند.





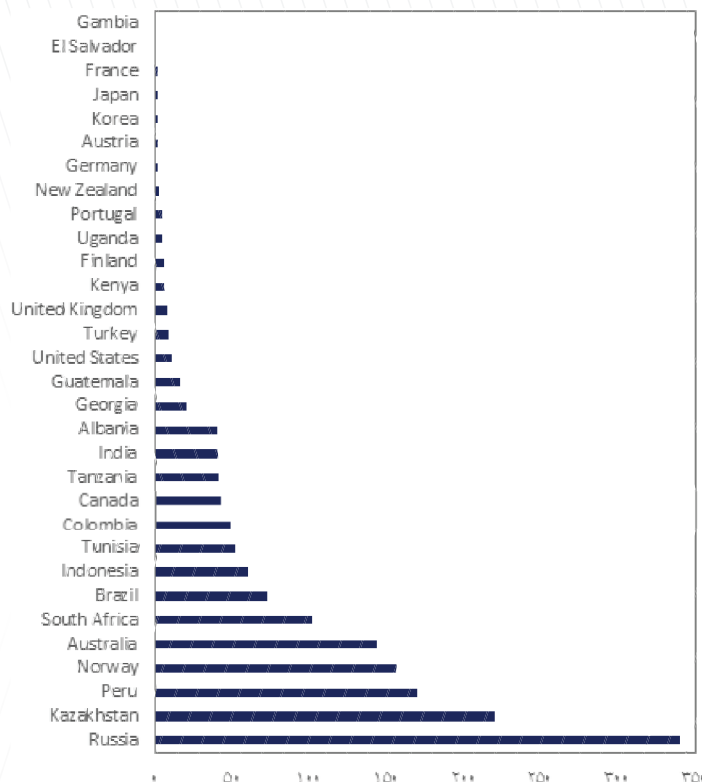
شکل ۳. دارایی‌های غیرمالی بخش عمومی در کشورها برحسب درصدی از GDP

به علاوه، ما دارایی‌های مربوط به منابع طبیعی مثل منابع زیرزمینی، نفت و گاز، طلا و آهن و غیره را هم داریم. با توجه به شکل (۴) کشور روسیه، قزاقستان، پرو، نروژ و استرالیا که دارای بهترین ترازنامه‌ها در شکل (۲) بودند، از جمله کشورهایی هم هستند که بیشترین میزان منابع طبیعی را در اختیار دارند. از اینرو، برای من خیلی جالب خواهد بود که ترازنامه کشور ایران را بررسی کنم و ببینم نتیجه به چه صورت خواهد بود. چون من حدس و گمانم این است که ایران با توجه به اینکه دارای منابع طبیعی غنی است، همانند بسیاری از کشورهای دیگر با چنین ویژگی، دارای تراز مثبت باشد. البته من وقتی که گنجینه جواهرات ملی کشور ایران را چند سال قبل دیدم، متوجه شدم که در واقع قطعاً باید تراز شما خیلی مثبت‌تر از آن چیزی باشد که من فکر می‌کردم.

در واقع، فایده‌ای که نگاه به دارایی‌های طبیعی دارد این است که به ما کمک می‌کند تا ببینیم آنها چه دارایی‌های هستند، چگونه مورد استفاده قرار می‌گیرند و اینکه می‌تواند به ما کمک کند تصمیم بگیریم چگونه این دارایی‌ها را حفظ، نگهداری و مدیریت کنیم. البته ما در سال‌های مالی به میزان فروش این



منابع طبیعی نگاه می‌کنیم تا به این یافته برسیم که به چه میزانی برای دولت‌ها درآمد ایجاد کرده‌اند. اما یک چیزی که به آن توجه نمی‌کنیم این است که وقتی این دارایی‌ها را استخراج می‌کنیم و می‌فروشیم، هر چقدر این دارایی‌ها را بفروشیم، از آن طرف از حجم این دارایی‌ها دائماً کم می‌شود. بنابراین، میزان ثروت ما با فروش آن کاهش پیدا می‌کند.

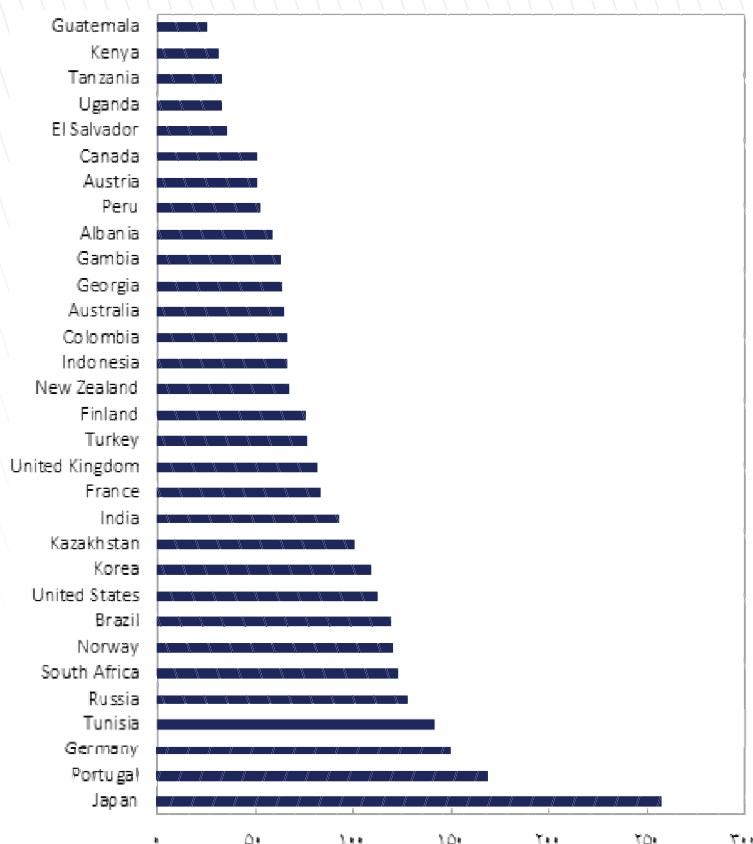


شکل ۴. دارایی‌های منابع طبیعی بخش عمومی در کشورها برحسب درصدی از GDP

میزان ثروت دولت‌ها با فروش دارایی‌های طبیعی کاهش پیدا می‌کند.

از دیگر عناصر جدید در ترازنامه بخش عمومی دارایی‌های بنگاه‌های عمومی است که در شکل (۵) ارائه شده است. در مورد این دارایی‌ها در ادامه بیشتر توضیح می‌دهم اما باید بدانیم که این دارایی‌ها نقش بسیار مهمی را بازی می‌کنند. اما همانطور که می‌بینید دارایی‌های بنگاه‌های عمومی در کشور ژاپن دارای بالاترین سهم از GDP خودش در مقایسه با سایر کشورهاست و گواتمالا، کنیا، تانزانیا و اوگاندا از این حیث در جایگاه‌های آخر قرار دارند.

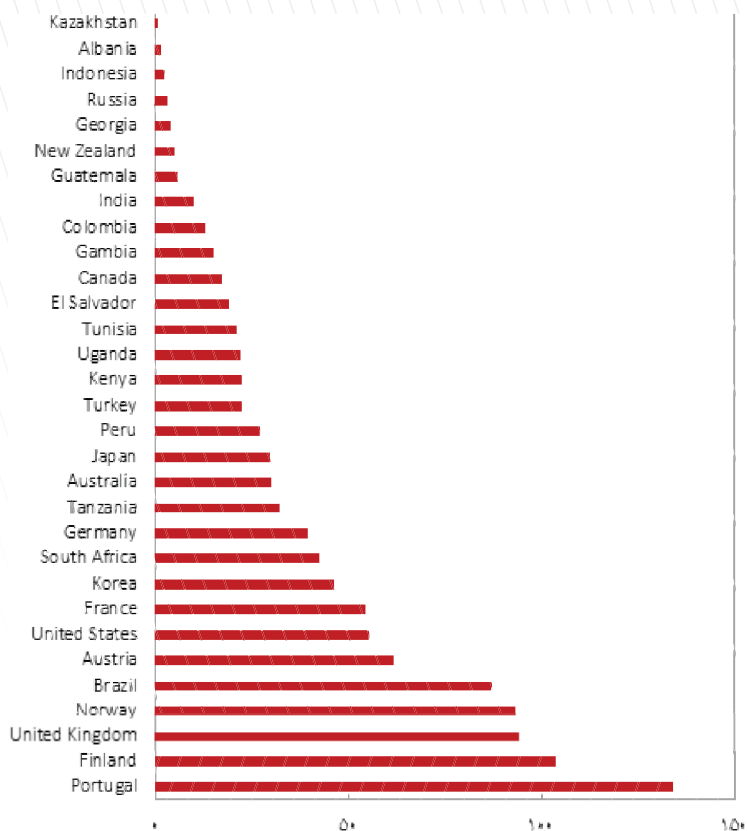




شکل ۵. دارایی‌های بنگاه‌های عمومی در کشورها برحسب درصدی از GDP

در شکل (۶) هم دیون مربوط به حقوق و دستمزد مورد بررسی قرار گرفته است. البته این نوع دیون را فقط در ارتباط با کارکنان بخش عمومی مورد بررسی و بازبینی قرار دادیم. این دیون همانطور که قبلاً بحث شد، بخش قابل توجهی از تعهدات بخش عمومی را تشکیل می‌دهد و در واقع نقش بزرگی در تعهدات بخش عمومی دارد. در این شکل مشخص است که قزاقستان، آلبانی، اندونزی و روسیه کمترین و کشورهای پرتغال، فنلاند، انگلیس، نروژ و برزیل بالاترین تعهدات بازنشستگی را دارند.





شکل ۶. تعهدات بازنشستگی در کشورها برحسب درصدی از GDP

شرکت‌های دولتی در ایران

در ایران بنگاه‌های دولتی نقش بسیار مهمی را در اقتصاد ایفاء می‌کنند به گونه‌ای که درآمد آنها تشکیل دهنده تقریباً نصف تولید ناخالص داخلی کشور است. در این بین درآمد حاصل از نفت و گاز سه چهارم این درآمدها را تشکیل می‌دهند و ۱۰ درصد هم مربوط به عملیات بانکداری است. البته این آماري که در اینجا ارائه شده است، برای سال ۲۰۱۹ می‌باشد. در واقع یک تعامل خیلی زیادی بین این نوع درآمدها و بودجه ایران وجود دارد. بسیاری از این درآمدها مستقیماً به سمت بودجه کل کشور سرازیر می‌شوند، بدون اینکه مورد بررسی قرار بگیرند تا مشخص شود که این درآمد از چه سازوکارهایی عبور کردند تا به بودجه کشور وصل شوند. در واقع، شرکت‌های نفت و گاز در سال ۲۰۱۹ تقریباً فقط ۱۵ درصد از درآمدهای خودشان را توانسته‌اند در حساب‌های خودشان نگه دارند و این بدان معناست که نقش کمی را در بودجه بازی کردند.

آنچه که من از بودجه عمومی دولت در ایران متوجه شدم این است که ۲۵ صدم درصد این پرداخت‌ها از محل مالیات بر شرکت‌ها به دست آمده و در امر بودجه ایفاء نقش کرده است. با بررسی سهم درآمد و



هزینه‌ای بخش‌های مختلف اعم از بانک‌ها، حمل و نقل و گردشگری، بخش دفاعی، بخش مسکن و ... به این نتیجه رسیدیم که درآمدهای حاصل از این بخش‌ها به صورت خالص سهم اندکی در GDP دارد، چرا که تقریباً نیمی از درآمد صرف هزینه‌های سربار شده است. در واقع ما، متوجه شدیم که یارانه‌ها به صورت تداخلی انجام می‌شود، یعنی یارانه‌ها با همدیگر تداخل پیدا می‌کنند و باعث می‌شود بخش‌ها نقش کمی را در امر تأمین بودجه ایفا کنند.

ب) دلیل اهمیت بحث ثروت عمومی

در این قسمت نگاهی وسیع‌تر و کلان‌تر به این مسأله خواهیم کرد که اصلاً چرا بحث ثروت عمومی مهم و حائز اهمیت است. در ابتدا باید گفت اگر دارایی‌های بخش عمومی به خوبی مدیریت شوند، این توانایی را دارند که به GDP بسیار کمک کنند و میزان تولید ناخالص داخلی کشورها را تا ۳ درصد در هر سال بیفزایند. این رقم قابل توجهی و معادل درآمد حاصل از مالیاتی است که دولت‌ها از شرکت‌ها دریافت می‌کنند. وقتی ما می‌آییم درآمد حاصل از سود سهام را با درآمد حاصل از مدیریت دارایی‌ها مقایسه می‌کنیم، نتایج خیلی خوبی به دست نمی‌آید؛ چرا که بازگشت و سوددهی در بسیاری از موارد دیده می‌شود که حدود ۰٫۶ درصد است که رقم قابل توجهی نیست. این بدان معناست که سرمایه‌گذاری‌های انجام شده به شما حدود یک درصد در سال بیشتر سود نمی‌دهد. بنابراین، فکر نمی‌کنم دیگر شما خیلی برای ادامه آن سرمایه‌گذاری تمایل پیدا کنید.

در صورت مدیریت دارایی‌های بخش عمومی، درآمد حاصل از آن برای دولت بیش از سود سهام خواهد بود.

اگر بخواهیم به دارایی‌های مالی دولت‌ها و همچنین دارایی شرکت‌ها توجه کنیم و دارایی‌های غیرمالی و اجتماعی مثل مدارس و غیره را از آن حذف کنیم، می‌توانیم در یک رویه درستی تا حد زیادی در یک بنچ مارک اینها را ببینیم و بنچ مارک برای اینها تعیین کنیم. نکته خیلی مهم دیگر این است که یک ترازنامه قوی می‌تواند باعث شود تا میزان بهره بانکی و میزان سود کاهش پیدا کند. همانطور که می‌دانید نرخ بهره نقش بسیار مهمی در بدهی‌ها و کسری بودجه‌ها بازی می‌کند و برای همین است که این دو عنصر را باید خیلی با دقت مورد بررسی قرار داد. در واقع، در کشور نروژ و برزیل می‌بینیم که تقویت ترازنامه‌ها و از طرف دیگر کاهش نرخ بهره بانکی به عنوان منابعی از تأمین مالی و پیش‌برد تولید ناخالص داخلی استفاده می‌شود. بنابراین، نتیجه‌گیری کلی این است که میزان بالای بدهی رابطه مستقیم با افزایش هزینه‌ها دارد و باید بدانیم که هر چقدر که GDP ما افزایش پیدا کند، از آن طرف نرخ بهره بانکی به میزان قابل توجه کاهش پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، در کل می‌توانیم بگوییم که کشورهایی که



دارای ارزش خالص بالاتری در اقتصادشان هستند، میزان بهره کمتری را پرداخت می‌کنند.

نکته دیگری که حائز اهمیت است این است که کشورهای دارای ترازنامه بهتر و قوی‌تری، در مواجهه با شوک‌هایی که به اقتصادشان وارد می‌شود، میزان تاب‌آوری بهتری از خود نشان می‌دهد. طی بررسی که ما انجام دادیم به این نتیجه رسیدیم که کشورهای دارای ترازنامه‌های قوی‌تر، به خصوص در زمینه ارزش بازارها و شرکت‌ها، میزان تاب‌آوری بیشتری در مواجهه با بحران‌های مختلف داشته‌اند. به عنوان مثال، ترازنامه قوی‌تر در شرایط شیوع یک بحران اپیدمی مانند کووید-۱۹ به دولت‌ها این امکان را می‌دهد که محرک‌های اقتصادی را به موقع تزریق کنند و کشور را و وضعیت اقتصاد را از شرایط بحران بیرون بیاورند. همچنین در دوران بحران همه‌گیری کووید-۱۹ متوجه شدیم که کشورهای دارای ترازنامه با ظرفیت بالاتر توانستند حمایت‌های بهتر و قوی‌تری در این دوران از بخش خصوصی داشته باشد. به عنوان مثال، کشور قزاقستان را در نظر می‌گیریم که منابع غنی نفتی زیادی دارد. این کشور در سال ۲۰۱۴، شرایط بسیار سختی را تحمل کرد، زمانی که قیمت نفت در بازارهای جهانی نصف شد و به دنبال آن بسیاری از مشارکت‌ها و سرمایه‌گذاری در این کشور کاهش پیدا کرد. در واقع، آنها توانستند با تزریق به موقع محرک‌های اقتصادی از تندتر شدن شیب رکود اقتصادی خودشان جلوگیری کنند.

ج) فرصت‌ها و ریسک‌ها

ایجاد توازن بین سود مالی و مزایای غیرمالی‌های عمومی

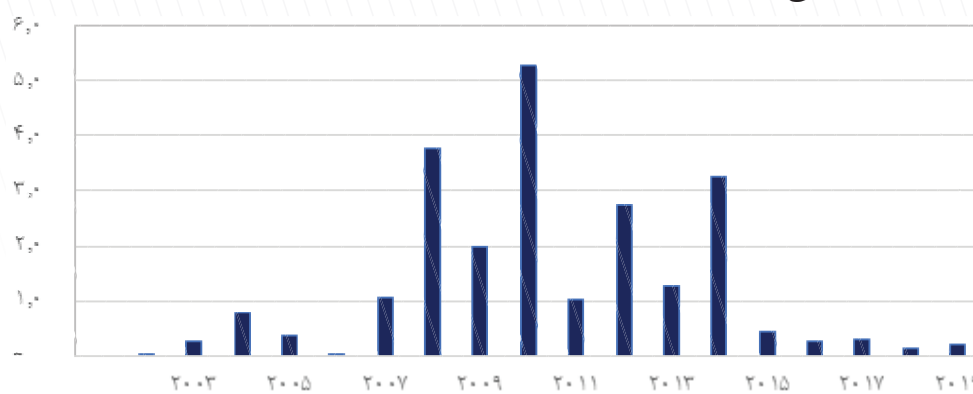
می‌خواهیم یک نگاه دیگری بکنیم و ببینیم کشورهای دیگر در خصوص چالش‌هایی که در ارتباط با بحث کسری بودجه و دیون مواجه هستند، چه برخوردی در چارچوب ترازنامه‌ها انجام دادند.

در حقیقت دارایی‌های عمومی وجود ندارند که برای ما سود مالی به ارمغان بیاورند، بلکه بایستی بیشتر در راستای ارائه خدمات بهتر بخش عمومی به آحاد جامعه به کار گرفته شوند و استفاده شوند و همچنین به رشد اقتصادی از آن منظر کمک کنند. اما به هر حال این نوع دارایی‌های عمومی باید به نوعی به لحاظ مالی هم سودآور باشند. پس این توازن چگونه بین سود مالی و مزایای غیرمالی این دارایی‌ها که باید با خودشان برای بخش عمومی به ارمغان بیاورند، برقرار می‌شود؟ در این ارتباط یک مثال برای شما از کشور نیوزیلند می‌زنم که برای مواجهه با این چالش، دارایی‌ها و دیون خودش را به سه قسمت مشخص یعنی اجتماعی، مالی و تجاری تقسیم کرد. دارایی‌های اجتماعی را شامل مدارس، بیمارستان‌ها و سایر اجزای زیرساختی تعریف کردند. بخش دیگر از دارایی‌ها که شامل بخش مالی بود به آنها این امکان را می‌داد که بتوانند دیون خودشان را با آن تسویه کنند. دسته سوم از دارایی‌ها، دارایی‌های تجاری بودند و همانطور که از اسم آنها پیداست در ارتباط با امور تجاری بودند و این امکان را فراهم می‌کردند که در پیش‌برد امور مربوط به بخش تجارت بتوانند از آنها استفاده کنند. با این کار میزان پیش‌بینی‌پذیری را بالا بردند و توانستند در

بخش خدمات مربوط به دارایی‌های عمومی، تحول خیلی زیادی ایجاد کنند. لذا، در بخش دارایی‌های تجاری من تأکید می‌کنم که حتماً کشور نیوزیلند را مطالعه کنید که برای توسعه در زمینه تجارت و همچنین سودآوری و سرمایه‌گذاری‌ها چه کاری انجام داد.

فرآیند خصوصی سازی در ایران

با توجه به شکل (۷) مشاهده می‌کنیم که خصوصی سازی به میزان قابل توجهی در ایران صورت گرفته است. هدف در واقع بهبود وضعیت اقتصادی در ایران بوده است.



شکل ۷. فرآیند خصوصی سازی در ایران

پیشرفتی که از سال ۲۰۱۹ به این طرف حاصل شده است، حدود ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی ایران بود. البته این به نوعی در برخی از موارد به درستی قابل اندازه‌گیری و قابل پیش‌بینی نبوده است. این روند صعودی به دلیل این است که برخی از بنگاه‌های دولتی را بیش از ارزش واقعی آنها ارزش‌گذاری کرده‌اند. این موضوع بیش برآوردی دارایی‌ها، ریسک زیادی را در تهیه و تدوین یک ترازنامه دقیق ایجاد می‌کند.

به طور کلی می‌توانیم بگوییم که فروش دارایی‌ها و خصوصی سازی یک سنگ محک بسیار مهمی برای ارزش‌گذاری دارایی‌هاست. اگر ارزش‌گذاری‌های دارایی‌ها بیش از حد واقعی خودش باشد، بنگاه‌های دولتی مجبورند از جای دیگری تأمین بودجه کنند که نشان بدهند این ارزش را دارند. البته این مسأله فقط مربوط به ایران نیست، بلکه مسأله‌ای است که در سطح جهان هم صورت می‌گیرد. بنابراین، بخش بنگاه‌های دولتی ما دانش کافی و یک درک بسیار بالایی باید داشته باشند تا در راستای خصوصی سازی بدانند که باید این مراحل به درستی طی شود و ارزش‌گذاری‌ها به درستی و صحیح انجام شود.

ارزیابی ریسک مالی

ریسک مالی تنها ریسکی نیست که بنگاه‌های دولتی با آن مواجه هستند، بلکه بنگاه‌های دولتی با ریسک‌های گسترده و بزرگ روبه‌رو هستند، چرا که اگر اختلالی در عملکرد آنها ایجاد شود، این خودش باعث می‌شود



بسیاری از ذی‌نفعان و سرمایه‌گذاران در این بنگاه‌ها عقب‌گرد بکنند.

ریسک‌های مالی در این بخش می‌تواند ریشه‌های متفاوتی داشته باشد. میزان یارانه‌ها می‌تواند این ریسک را بالا ببرد. دریافت وام برای بالا بردن راندمان و از طرف دیگری نداشتن خروجی مناسب و مجدداً قرض کردن برای پرداخت سایر دیون، خودش می‌تواند ضرر زیادی را به بخش بنگاه‌های عمومی و در واقع ساختار تأمین مالی آنها وارد کند. این ضرر و زیان تا ۳ درصد تولید ناخالص داخلی هم رسیده است. در خصوص میزان تزریق پول برای سرپا نگه داشتن بنگاه‌ها در برخی از موارد حتی ارقامی معادل ۱۵ درصد تولید ناخالص داخلی در این زمینه تجربه شد.

سیاست‌گذاران باید دائماً بنگاه‌های دولتی را بررسی کنند و تحت نظارت قرار بدهند تا ببینند عملکرد آنها در صورت مالی به چه صورتی است. این خودش در واقع نیازمند سیستم پایش و همچنین پایش داده‌های دقیق است که باید از این بنگاه‌ها اخذ شود.

شایان ذکر است، صندوق بین‌المللی پول یک چارچوب مشخص و مدون دارد که نشان می‌دهد چگونه باید این بررسی‌ها و این پایش داده‌ها و نظارت‌ها صورت بگیرد و به شما این امکان را می‌دهد تا بتوانید ریسک‌های مالی خودتان را به درستی تشخیص بدهید و روش‌های مناسب را برای مواجهه و حل مشکل به کار بگیرید. تشخیص بنگاه‌هایی که ریسک و بدهی بالایی دارند، در واقع بسیار به دولت‌ها کمک می‌کند تا میزان ریسک‌پذیری و میزان آسیب‌پذیری خودشان را پایین بیاورند، همچنین به دولت‌ها این امکان را می‌دهد تا بتوانند تشخیص بدهند که کدام یک از بنگاه‌های دولتی و بنگاه‌های عمومی بیشتر از بقیه آسیب‌پذیر هستند و بتوانند آنها را مدیریت کنیم. به علاوه، این روش صندوق بین‌المللی پول به مدیران و سیاست‌گذاران امکان درک این موضوع را می‌دهد که کدام یک از این بنگاه‌های دولتی و به چه میزان به کمک نیاز دارند تا بتوانند یک نگاه عمیق بیندازند و ببینند نیازهای این بنگاه‌ها چیست تا بتوانند راهکارها را به نحو احسن برای این بنگاه‌ها به کار بگیرند. در واقع، این روش راهکارهایی را پیش پای شما می‌گذارد که بتوانید همیاری عمومی را برای کمک به این بنگاه‌ها بطلبید. این چارچوب را شما می‌توانید از طریق پورتال ریسک مالی از روی سایت صندوق بین‌المللی پول دانلود کنید و مستقیماً تمام این راهکارها را به دست بیاورید. نکته جالب توجه این است که وزارت امور اقتصادی و دارایی ایران هم اکنون بسیاری از این اهرم‌ها و بسیاری از این روش‌ها را در اختیار دارد که می‌تواند آنها را به کار بگیرد.

وزارت امور اقتصادی و دارایی ایران بسیاری از اهرم‌ها و روش‌های پیشنهادی صندوق بین‌المللی پول برای ارزیابی ریسک را اختیار دارد.

د) جمع‌بندی

منافع تحلیل ترازنامه بخش عمومی

صندوق بین‌المللی پول با جدیت موافق این امر است که توجه درست به ترازنامه‌ها می‌تواند به نفع بخش عمومی باشد، چرا که به ما کمک می‌کند تا نگاه جامعی به مالیه بخش عمومی داشته باشیم. همچنین به دولت‌ها کمک می‌کند که هم ریسک‌ها را در ترازنامه تشخیص بدهند و هم آنها را مدیریت کنند. ضمن اینکه می‌تواند کمک کند تا دولت‌ها سیاست‌های خودشان را در بخش سرمایه‌گذاری بخش عمومی مورد ارزیابی قرار بدهند. به علاوه، در امر خصوصی‌سازی هم فواید بسیار زیاد، واضح و شفاف برای بخش اقتصاد کلان دارد.

تشویق پاسخگویی و شفافیت

تحلیل ترازنامه بخش عمومی به شفافیت و پاسخگویی کمک می‌کند. در واقع بسیاری از دارایی‌های بخش عمومی که معمولاً به آنها توجه کمتری می‌شود، در این ترازنامه به وضوح نمایان می‌شوند تا برای خدمت به اقتصاد و رشد اقتصادی و همچنین تحقق اهداف اجتماعی مورد استفاده قرار بگیرند. به علاوه، تحلیل ترازنامه بخش عمومی به پاسخگویی شهروندان و تأمین‌کنندگان اعتبار کمک می‌کند.

منافع برای ایران

در مقوله ایران که ما با یک بخش بسیار بزرگ از بنگاه‌های دولتی مواجه هستیم، لذا تحلیل ترازنامه بخش عمومی بسیار کمک می‌کند و فرصت‌ها و روش‌های بسیار خوبی برای تقویت مدیریت اهداف اجتماعی پیش پا می‌گذارد. ضمن اینکه کمک بسیار مهمی در شناخت و مدیریت صحیح ریسک‌ها و ریزفاکتورها در بخش اقتصاد انجام می‌دهد.

صندوق بین‌المللی پول با جدیت موافق این امر است که توجه درست به ترازنامه‌ها می‌تواند به نفع بخش عمومی باشد.

پرسش و پاسخ

سؤال ۱. گزارش خوبی بود. این نگاه به ترازنامه کشور که از منافع اقلام مختلف ترازنامه یا عایدی ترازنامه برای تأمین منابع کشور استفاده کنیم، نگاه خوبی بود. اما من در گزارش متوجه نشدم که نسبت درآمدهای مالیاتی به GDP برای ایران را چند گفتند. به نظرم یک عدد خیلی پایینی گفتند، در حالی که این عدد در کشور بالاتر است. لطفاً بفرمایند نسبت درآمدهای مالیاتی به GDP را برای ایران در این گزارش چند اشاره کردند؟



پاسخ: باید عرض کنم عددی که اینجا بیان شد نسبت درآمدهای مالیاتی به GDP نبود بلکه درآمد دولت از محل سود ناشی از سهام دولت است که نسبت آن به GDP رقم ۰٫۶ درصد براساس آمار سال ۱۳۹۸ است که رقم پایینی است و طبیعی هم هست.

سؤال ۲. خیلی ممنون از ارائه ارزشمندتان. ایشان در فرمایش‌های خودشان به یک مطلبی اشاره کردند، مبنی بر اینکه دولت نقش حمایت‌گر دارد و در عین حال باید به سوددهی هم فکر کند. یکی از مسائلی که در مدیریت دارایی‌ها در کشور ما مطرح است، این است که دولت همیشه طی سال‌های طولانی به خصوص در حوزه اراضی نقش حمایتی را برای حمایت از کشاورزی، حمایت از صنعت، حمایت برای سرمایه‌گذاری، حمایت برای مسکن و ... داشته است؛ به‌طوری که، برای این حمایت‌ها ارزش زمین را صفر در نظر گرفته است و به قول معروف زمین‌های دولتی را به این شکل فرض گرفته است. ولی امروز به این نتیجه رسیده که باید از این اراضی درآمدی داشته باشد تا بتواند از آن استفاده کند. بنابراین اینجا بین آن نقش حمایتی دولت، نقش خدمات‌دهنده و حمایت‌کننده با نقش دولت در کسب درآمد و سود از همان دارایی‌هایی که می‌توانست جنبه حمایتی داشته باشد، یک تناقضی را به وجود می‌آورد. لذا این موضوع الآن واقعاً به یک سؤال بزرگ تبدیل شده است که آیا دولت می‌تواند مثلاً املاک را اجاره بدهد و درآمد کسب کند؟ آیا وظیفه دولت حمایت نبود؟ حالا همین دولت آیا باید وارد بازار شود و رقابت کند؟ ضمن اینکه وقتی بحث مدیریت اموال یا مولدسازی اموال مطرح می‌شود، این سؤال مهم به وجود می‌آید، این دولتی که باید نقش حمایت را ایفاء می‌کرد، حالا امروز می‌خواهد درآمد داشته باشد، آیا کارکرد دوم با نقش اصلی دولت به عنوان ارائه‌دهنده خدمات و حمایت همخوانی دارد یا آن را زیر سؤال می‌برد؟

پاسخ: سؤال بسیار خوبی پرسیده شد. بله، همانطور که توضیح دادم، بخش عمومی و دارایی‌ها عمومی در حقیقت به این منظور فراهم نشدند که از آنها درآمدی کسب شود بلکه جنبه حمایتی و جنبه حمایت از بخش عمومی را داشته‌اند. اما به نوع دیگری هم می‌توان به این قضیه نگاه کرد. وقتی دارایی‌های عمومی به صورت زیرساخت ایجاد می‌شوند، ما این دارایی‌ها را به حال خود رها می‌کنیم. ایجاد درآمد فقط یکی از مؤلفه‌های مدیریت کردن این شرایط هست، این در حالی است که مدیریت صحیح شامل این می‌شود که در واقع این اطمینان حاصل گردد که رویه و روند مدیریتی به‌طور صحیح و مداوم و به خوبی صورت گیرد و این سازوکارها به‌طور مؤثر مورد استفاده قرار گیرد و آن ساخته‌ها دقیقاً مطابق با آن چیزی باشد که مردم به آنها نیاز دارند. همچنین در توضیحات خودم به آن مثال نیویلند اشاره کردم که چگونه در حال مدیریت دارایی‌های بخش عمومی خودشان هستند. در واقع، آنها به بسترسازی برای ایجاد درآمد از دارایی‌های بخش عمومی چندان درآمدزا نیستند، نپرداختند بلکه در حال بررسی هستند تا ببینند در کدام یک از همین دارایی‌های عمومی امکان کسب درآمد وجود دارد.

در کشورهای مختلف دنیا که ما بررسی کردیم، متوجه شدیم که بسیاری از دولت‌ها هنوز اطلاع و

آگاهی کافی و در واقع شناخت درستی از بخش‌ها و پتانسیل‌های نهفته شده در بخش‌هایی از دارایی‌های عمومی خودشان که می‌تواند برای آنها سودآور باشد، ندارند و ما شاهد آن هستیم که بسیاری از دارایی‌های عمومی و ساختمان‌های عمومی به دلیل عدم تعمیر یا استفاده نادرست از آنها در حال از بین رفتن هستند. متأسفانه در خیلی از کشورها این مشکل وجود دارد که این نقاط قوت و پتانسیل‌ها را درست نمی‌بینند یا دارایی‌های عمومی را که به خوبی مدیریت نمی‌کنند. این بسیار مهم است که ما این دارایی‌ها را ببینیم، بشناسیم که چه چیزهایی در دست داریم و بتوانیم با مدیریت صحیح از این دارایی‌ها بهره‌برداری کنیم. با این حال، ما یکسری دارایی‌های دولتی داریم که به طور واضح جنبه تجاری و ماهیت تجاری دارند و اینگونه دارایی‌ها هستند که در واقع باید روی آنها تمرکز شود و بهره‌برداری تجاری از آنها صورت بگیرد. ضمن اینکه بخشی از دارایی‌های دولت‌ها به طور مداوم در معرض ریسک قرار دارد. بنابراین، برای کاهش ریسک و بالا بردن پتانسیل موجود برای سودآوری باید بررسی کرد که کدام دارایی‌ها باید مورد توجه قرار بگیرد، این دلیل‌ها شناسایی شوند و به درستی به سمت تجاری‌سازی هدایت شوند. در واقع وقتی گفته می‌شود اگر دارایی‌ها عمومی درست مدیریت شوند، می‌توانند سالی ۳ درصد به تولید ناخالص داخلی یک کشور اضافه کنند، منظور ما آن دارایی‌های عمومی با پتانسیل تجاری‌سازی شدن بود.

وقتی بحث کسب درآمد با مدیریت درست دارایی‌ها عمومی مطرح می‌شود، منظورمان از دارایی‌های عمومی آن بخش از دارایی‌ها با پتانسیل تجاری‌سازی شدن است.

سؤال ۳. من هم از ارائه خوبی که داشتند، تشکر می‌کنم. دولت ایران پنج یا شش سالی است که با اصلاح نظام حسابداری و استفاده از مبنای تعهدی تلاش می‌کند که به ترازنامه بخش عمومی برسد. سؤالی که من دارم این هست که وقتی ما می‌گوییم ترازنامه بخش عمومی، چون بخش عمومی حاوی بخش‌های مختلفی نظیر دولت مرکزی، شرکت‌های دولتی، نهادهای عمومی غیردولتی و بانک‌هاست، سطح تلفیق آن چیست؟ یعنی چه واحدهایی در این ترازنامه دیده می‌شوند؟

پاسخ: ما نسخه خاصی نداریم که بگوییم چه ترکیبی دقیقاً باید وجود داشته باشد یا تخصیص منابع به کدام یک از این اجزاء باید به طور دقیق صورت بگیرد. نسخه خاصی و فرمول خاص برای این قضیه وجود ندارد اما ما مشاهده کردیم که یک تفاوت بسیار واضح و مشخصی در میزان دارایی‌های عمومی در کشورهای مختلف با همدیگر وجود دارد و اینکه دولت‌های مختلف جهان برای ارائه خدمات و یا سرمایه‌گذاری و توسعه بخش عمومی اهداف مختلفی را بر اساس نیازهای خودشان اولویت‌بندی کردند. در واقع، آنچه مدنظر ماست این موضوع است که در هر حال ترازنامه بخش عمومی برای دولت‌ها بسیار فایده خواهد داشت و بسیار سودمند خواهد بود تا همین‌گونه پرسش‌ها از طرف شما مطرح شود و با دنبال کردن نیازهای خودشان به پاسخی صحیح برسند. از این نظر خود دولت‌ها باید این سؤال را از خودشان



بپرسند که از مالکیت این بنگاه‌ها چه سودی عایدشان خواهد شد؟ یا آیا این بنگاه‌ها واقعاً اهداف اصلی و وظایف اصلی که بر اساس آن تأسیس شده‌اند را برای کشور و برای آن دولت تأمین می‌کنند یا نه؟ در واقع با بررسی دقیق در چارچوب ترازنامه بخش عمومی شاید می‌شود به اشتباهاتی پی برد که به مدتی طولانی توسط دولت‌ها تکرار می‌شد و سود و فایده چندانی را عاید دولت‌ها در بخش عمومی نمی‌کرد. لذا با نظارت و مطالعه دقیق این پرسش‌هاست که از تکرار این اشتباهات که مدت‌هاست در بسیاری از کشورها وجود داشته است، می‌توان جلوگیری کرد. در این ارتباط، بررسی‌های دوره‌ای می‌تواند به دولت‌ها کمک کند تا بتوانند موقعیت‌های بهتری را کشف و مدیریت بهتری را بر بخش عمومی و دارایی‌های عمومی اعمال کنند. تجربیات مختلفی در مورد کشور خود من استرالیا یا کشور نیوزیلند وجود دارد که ما می‌توانیم بینیم با شناخت درست پتانسیل‌های نهفته در دارایی‌ها عمومی چه کارهایی می‌توان انجام داد.

با بررسی دقیق در چارچوب ترازنامه بخش عمومی می‌توان به اشتباهاتی پی برد که به مدتی طولانی توسط دولت‌ها تکرار می‌شد.

به علاوه، بحث ارزش‌گذاری اهمیت بسیار زیادی دارد. در بسیاری از موارد به این نتیجه رسیده‌اند که کلاً نگه داشتن بنگاه‌های دولتی کار چندان پرفایده‌ای نیست و آنها را باید به بخش خصوصی واگذار کنند و از این طریق می‌توانند بسیاری از چالش‌ها و موانع را از سر راه بردارند و اینکه مطمئن شوند که عامه مردم از این واگذاری‌ها و این نوع اعمال مدیریت‌ها منفعت کسب می‌کنند. در کشور بریتانیا هم می‌بینیم که این اتفاق نمی‌افتد و این مسأله کماکان وجود دارد.

سؤال ۴. من از ارائه خوبی که دادند، تشکر می‌کنم. در مورد اهمیت ترازنامه در تصویر بهتری که ما از وضعیت مالی دولت داریم، شکل‌گیری ترازنامه مخصوصاً برای اقتصاد ما در مرحله‌ای است که لازم است که هر دو طرف آن یعنی هم طرف دارایی‌ها و هم طرف تعهدات آن به خوبی شناسایی شود. من حالا روی بحث دارایی‌ها ورود نمی‌کنم چون صحبت شد اما روی بحث شناسایی تعهدات دولت و بخش عمومی، مسأله‌ای که می‌خواهم سؤال کنم، بحثی است که ما اینجا داریم و یکی از موضوعات مهم تعهدات دولت ما هم است و آن تعهدات مشروط^۱ می‌باشد که شناسایی آن برای دولت سخت است. به خاطر اینکه در مرحله‌ای که در واقع این تعهدات ایجاد می‌شود، تعهد قطعی دولت نیست. من فکر می‌کنم یکی از روش‌هایی که بخواهیم این شناسایی را بهتر انجام بدهیم این است که بخواهیم در زمان تدوین بودجه روی این تعهدات مشروط قاعده بگذاریم و همچنین بخواهیم در زمان ارائه بودجه آنها را افشاء کنیم. من می‌خواستم تجربه موفق که در کشورهای دیگر برای افشاء و قاعده‌گذاری روی تعهدات دولت به خصوص تعهدات مشروط وجود دارد را اگر بتوانند خلاصه توضیح بدهند.

1. Contingent Liability



پاسخ: از سال ۲۰۰۸ میلادی که بحران اقتصاد جهانی اتفاق افتاد، این مسأله بسیار مورد توجه قرار گرفت. بحث دیون و بدهی‌های دولت بسیار مورد توجه قرار گرفت و سؤال شما سؤال بسیار خوبی است. علاوه بر ۱۴ سال گذشته، در این چند سال اخیر بعد از همه‌گیری کووید-۱۹ هم این مسأله به خوبی خودش را نشان داد. در واقع صندوق بین‌المللی پول، برنامه و راه‌حل‌هایی در رابطه با بحث رسیدگی به تعهدات مشروط دارد که می‌تواند آن را برای کمک به بسیاری از دولت‌ها ارائه بدهد. دیون مشروط به دو صورت آشکار و نهان می‌توانند وجود داشته باشند. نوع آشکار آنها در قالب تضمین‌های بانکی است که به خوبی می‌شود آنها را دید و تشخیص داد. ما در واقع می‌آییم این‌طوری در نظر می‌گیریم که تمام دیون شرکت جزء دیون مشروط است و بعد می‌آییم بررسی می‌کنیم، آنها را سند می‌کنیم تا تشخیص بدهیم که کدام یک از این دیون، دیون مشروط نیستند. در واقع، این دیون آشکار می‌توانند شامل یک دامنه وسیعی از دیون مختلف باشند و حتی تمام بخش مالی یک کشور را در برگیرد، همان‌طوری که دولت ایرلند در سال ۲۰۰۸ متوجه یک چنین حقیقتی شد. در بسیاری از کشورها در هنگام همه‌گیری کووید-۱۹ هم این بحث دیون مشروط تمام بخش اقتصاد آنها را در بر گرفت. بنابراین، ما باید اندازه و منبع این دیون مشروط را تشخیص بدهیم تا اینکه بتوانیم پاسخ مناسبی برای آن داشته باشیم. مثال‌های خیلی خوبی که برای شما می‌توانم بزنم، گزارش ریسک مالی دولت بریتانیا است که جزئیات بسیار زیادی دارد. تمام جزئیات مربوط به ریسک‌های مالی که آنها داشته‌اند را به تصویر می‌کشد. کشور گرجستان در این منطقه‌ای که شما هستید می‌شود گفت که درگیر این مسأله است. در گزارشی که توسط گرجستان منتشر شده است، جزئیات بسیار زیادی دارد و ریسک شرکت‌های عمومی را هم به تفصیل توضیح داده و مشخص کرده است که این ریسک‌ها یا دیون مشروط چه چیزهایی هستند.

یکی از نکاتی که امروز ارزش و اهمیت آن در حال افزایش است، بحث عاملی تحت عنوان «تغییرات آب و هوایی» است. من پیشنهاد می‌کنم که شما به پورتال بررسی ریسک‌های مالی صندوق بین‌المللی پول مراجعه کنید که در آنجا راهکارها و ابزارهای تشخیص این دیون مشروط را در اختیار شما قرار می‌دهد. به عنوان مثال یک ابزاری برای تشخیص ریسک مالی ارائه شده است که به شما این امکان را می‌دهد که از یک زاویه بازتر مشکل را ببینید و نکات را بتوانید تشخیص بدهید. صندوق بین‌المللی پول بسیار خرسند خواهد بود که به شما در این زمینه کمک کند. اگر شما نیاز به کمک داشته باشید، صندوق راهکارهای مشخص خودش را دارد که خوشحال می‌شود در اختیار شما قرار بدهد.

سؤال: تصور من این است، تعریفی که ایشان از بخش عمومی دارند متفاوت از چیزی است که در ذهن ما وجود دارد. برای مثال ما در ایران شرکت‌های کاملاً دولتی داریم که مثلاً شکر تولید می‌کند، کفش تولید می‌کند، کاشی و سرامیک تولید می‌کند و این یک قاعده کاملاً استثنایی در دنیاست و این بخشی از بخش عمومی ماست و حتی در بودجه دولت منعکس می‌شود؛ به‌طوری که بودجه ما دو قسمتی است و بخش دوم بودجه ما هر ساله دو یا سه برابر قسمت اول آن است. یا مثلاً در حوزه خصوصی‌سازی در



استرالیا جنگل‌ها را هم به بخش خصوصی واگذار کردند و گفته‌اند مال خودت و بعداً هم به خانواده خودت می‌توانی ارث بدهی برای اینکه به نتیجه رسیده‌اند که جنگل به این صورت بهتر مراقبت می‌شود. حالا اینکه ما این مفهوم را منتقل کنیم که بزرگترین چالش ما این است که یک کارخانه‌ای با قدمت ۶۰ سال داریم که شکر تولید می‌کند و ما این را نمی‌توانیم واگذار کنیم، خیلی مهم است. حالا من چرا این نکته را می‌گویم؟ احتمال آن هست که ما بخواهیم از این افراد مشاوره بگیریم، پس قبل از اینکه اصلاً ارتباط برقرار کنیم، باید ماه‌ها بنشینیم یک چیزهایی را تدوین کنیم و بتوانیم از زبان فارسی آنها را به زبان انگلیسی برگردانیم که خیلی کار سختی است.

پاسخ: از آن جهت که در این مقاله رودخانه و دره و امثالهم به عنوان دارایی‌های عمومی در نظر گرفته شد که باید به سمت تجاری‌سازی آنها برویم و با لحاظ این موارد یک ترازنامه عمومی جامع داشته باشیم، منظور از بخش عمومی با لحاظ همه این مواردی است که شما فرمودید.

طرح دیدگاه‌ها

مهدی بنانی

من فقط یک توضیحی در مورد تهیه ترازنامه در دولت ایران بدهم و اینکه مثلاً ما الآن در چه نقطه‌ای قرار داریم و وضعیت ما چه چیزی است. آیا اصلاً ترازنامه داریم یا نداریم؟ دوستان می‌دانند که ترازنامه خروجی یک سیستم حسابداری است، پس برای اینکه ما یک ترازنامه کامل و خوب داشته باشیم باید از مبنای حسابداری درستی برای شناسایی رویدادهای مالی، دارایی، بدهی و ... استفاده کنیم. تا قبل از سال ۱۳۹۴ مبنای حسابداری مورد استفاده در ایران برای شناسایی رویدادهای مالی نقدی تعدیل شده بود، یعنی اینکه ما به هیچ عنوان هیچ دارایی‌ای را ثبت نمی‌کردیم، همه پرداخت‌ها چه در طرح‌های عمرانی و چه در اعتبارات جاری به عنوان هزینه ثبت و ضبط می‌شد. از سال ۱۳۹۴ تدوین استانداردهای حسابداری بخش عمومی بر اساس یک کارگروهی که دیوان محاسبات و سازمان برنامه و وزارت امور اقتصاد و دارایی در سازمان حسابرسی تشکیل دادند، شروع شد و این مبنا به مرور عوض شد. البته خود اصلاحات نظام حسابداری و تبدیل یک مبنای نقدی به یک مبنای تعهدی یک برنامه ده ساله است و در این برنامه هم اتفاقاً ایتالیا و نیوزیلند جزء کشورهای پیش‌رو هستند که جزء اولین‌ها هستند که توانستند این کار را در دنیا انجام بدهند.

در ایران تقریباً سه یا چهار سالی است که ترازنامه به معنای واقعی در خزانه‌داری کل تهیه می‌شود و ما الآن در حال کار روی استاندارد تلفیق هستیم و در کمیته استانداردهای حسابداری بررسی می‌کنیم که چه دستگاه‌هایی با چه مشخصاتی را باید جزء بخش عمومی در نظر بگیریم. چون شما می‌دانید سیستم حسابداری شرکت‌های دولتی و اصولاً فلسفه تهیه صورت‌های مالی آن که بر مبنای حسابداری بازرگانی





و با هدف سوددهی است با وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی ارائه‌دهنده خدمت فرق می‌کند. در واقع، اصولاً مبانی نظری این دو با همدیگر متفاوت است و شما بایستی ارقام مالی که با نگاه‌های متفاوتی و با مبانی نظری متفاوتی شناسایی، اندازه‌گیری و ثبت شده‌اند را با همدیگر تلفیق کنید و آن را یک صورت مالی کنید که خودش دشواری‌هایی دارد. با این حال، الآن من می‌توانم بگویم که چند سالی است که این بحث در حال انجام است و ما عملاً در گام‌های آخر هستیم. در واقع ما خیلی با بحث ترازنامه بخش عمومی فاصله نداریم.

چند سالی است که در کشور ترازنامه به معنای واقعی در خزانه‌داری کل تهیه می‌شود و ما الان چندان با بحث ترازنامه بخش عمومی فاصله نداریم.

یک نکته دیگر این است که تا جایی که من می‌دانم صندوق بین‌المللی پول از بخش عمومی یک طبقه‌بندی دارد، به این صورت که که مثلاً یک دایره‌ای وسط آن قرار داد که همان دولت مرکزی است، بعد دوباره یک دایره‌ای می‌آید این را در برمی‌گیرد و این دایره‌های محاط بزرگتر می‌شوند. بنابراین، در شروع کار مدیریت بدهی‌های عمومی، اولین سؤالی که پرسیدیم این بود که بخش عمومی یعنی چه؟ یعنی ما وقتی در مورد بخش عمومی ایران صحبت می‌کنیم، در مورد چه دستگاه‌هایی صحبت می‌کنیم؟ بخش عمومی کیست؟ آیا فقط وزارتخانه‌ها و مؤسسه‌های دولتی بخش عمومی هستند؟ یا شرکت‌های دولتی هم جزء آن هستند؟ یا شهرداری‌ها هم جزء آن هستند؟ یا بانک‌های دولتی هم جزء آن هستند؟ بالاخره چه کسانی بخش عمومی هستند؟

در این زمینه یک مطالعه‌ای آن زمان انجام شد و البته این تعاریف در لایحه مدیریت بدهی‌های عمومی هم که دولت تصویب کرده و به مجلس ارسال شده است، جزء یکی از تعاریف آمده است. من فکر می‌کنم چون ما تا الآن در نظام مالی و در قوانین مالی محاسباتی تعریفی برای بخش عمومی نداشتیم که نوشته باشد بخش عمومی دو نقطه حالاً تعریف، این تعریف در لایحه مدیریت بدهی‌ها گام مؤثری است. در این لایحه در نهایت تعریف بخش عمومی براساس همان الگوی صندوق بین‌المللی پول به این صورت شد که در واقع آن هسته مرکزی، وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی هستند که به این هسته شرکت‌های دولتی اضافه می‌شود، شهرداری‌ها و در واقع نهادهای عمومی غیردولتی که به آن دولت‌های محلی می‌گویند، اضافه می‌شود و بعد شرکت‌های مالی دولتی نظیر بانک‌ها مثلاً بانک ملی و در نهایت آنهایی که قسمت عمده سهام‌شان دولتی هست و دولتی محسوب می‌شوند، به آن اضافه می‌شود لذا صندوق‌های بازنشستگی یا مثلاً سازمان تأمین اجتماعی بر اساس مقررات نهاد عمومی غیردولتی است، در بخش عمومی قرار دارند و یک مؤسسه دولتی تلقی می‌شوند. بعضی از وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی خودشان صندوق بازنشستگی دارند که آنها هم به همین منوال جزء بخش عمومی محسوب می‌شوند





و از بخش عمومی خارج نیستند و در تلفیق بخش عمومی مدنظر قرار می‌گیرند. ما الآن مثلاً در بحث بدهی‌ها این طبقه‌بندی را دقیقاً رعایت کردیم و تا سطح آخر طبقه‌بندی صندوق بین‌المللی پول یعنی تا مؤسسه‌های مالی مانند بانک‌ها وارد شدیم که با سطح تلفیق متفاوت می‌توانیم گزارش بدهیم. در واقع، ما می‌توانیم به هسته مرکزی بخش عمومی، شرکت‌های دولتی را اضافه کنیم و حتی بانک‌ها را اضافه کنیم و هر سه ماه یک‌بار داده‌های آنها با همدیگر تلفیق می‌شود. این بانک اطلاعاتی در حال حاضر در اختیار کشور قرار دارد و کار تحلیلی هم می‌توان روی آن انجام داد.

در حال حاضر در بحث مدیریت بدهی یک بانک اطلاعاتی شامل از داده‌های تمامی اجزاء بخش عمومی را داریم.

فاطمه دادگر

ما الآن چند سالی است، تقریباً از سال ۱۳۹۴ به‌طور ویژه، یک سامانه طراحی کردیم که خروجی آن در ترازنامه دولت می‌نشیند. حالا می‌خواهم به عرایض آقای بنانی یک نکته را اضافه کنم. آن موضوعی که باعث شد کارمان با صندوق بین‌المللی پول طول بکشد، این بود که ما دائماً بخش عمومی خودمان را توضیح می‌دادیم اما آنها اصلاً بخش عمومی ما برایشان قابل درک نبود. مثلاً من گفتم که ما انفال و منابع طبیعی و اراضی و موات داخل شهر و خارج شهر داریم و بعد در کنار آن یک سری اموالی داریم که در اختیار شهرداری‌ها و نهادها و اینها است.

من فکر می‌کنم تا یک حدودی یک کار خوبی حداقل در کشور در این حوزه انجام شده است و لااقل زمینه‌اش فراهم شده است. شاید ما امروز با ثبت اطلاعات این اموال نتوانیم استفاده‌های خوب و کلانی از آن برای تصمیم‌های مدیریتی مان ببریم ولی ما الآن این اموال را به ترتیبی در سامانه اموال ثبت می‌کنیم که مثلاً فرض بفرمایید اموال شهرداری‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی را به‌طور جداگانه‌ای ثبت و ضبط می‌کنیم و این اطمینان را به آنها می‌دهیم که ما در مدیریت شما دخالت نخواهیم کرد ولی لازم است که دولت به معنای حکومت بدانند که در کل برای خدمات عمومی چه میزان دارایی وجود دارد.

بعد مثلاً انفال، الآن به بحث واگذاری مثلاً جنگل در کشور استرالیا اشاره شد، اما در حال حاضر در کشور حتی برای ثبت یک بخشی از این انفال و منابع طبیعی این نگرانی و ترس وجود دارد که بگویند چرا اینها را اصلاً ثبت می‌کنید؟ به چه دلیل منابع طبیعی را می‌خواهید ثبت کنید؟ این خودش سازمان متولی دارد، اصلاً چرا باید در سامانه شما ثبت کنیم؟ برای اینکه تصور در کشور ما این است که اینها میراث ملی هستند و در مورد واگذاری آنها اصلاً صحبت نکنید. پس فقط برای اینکه بتوانیم آنها را ثبت کنیم، با یک چنین جبهه بسیار بزرگی مواجه هستیم.



در کشور ما یکسری اموال به عنوان میراث ملی تصور می‌شود و ما حتی برای ثبت آنها مشکل داریم.

به علاوه، ما در کشور اموال تملیکی هم داریم، انبوهی از اموال که به نفع دولت ضبط می‌شوند و هر کدام شکل‌های مختلفی دارند. من واقعاً نمی‌دانم در کشورهای دیگر با این اموال چگونه برخورد می‌شود. در این مورد هم باز مثل همیشه این سؤال مطرح است که چرا باید فهرست آن را بیان کنند و چرا باید در این سامانه افشاء شود؟

من فکر می‌کنم ما گام بزرگی را نمی‌توانیم در این حوزه برداریم که دیگر نتیجه‌ای نگیریم، به همین دلیل سمت و سویی که ما در این لایحه گرفتیم این بود که بر روی اموال اختصاصی دولت متمرکز شدیم و می‌خواهیم از دل آن، این اموالی که در حال بهره‌برداری هستند، بهینه‌سازی و استفاده شوند، مثلاً همان بیمارستان یا مدرسه‌ای که هست، بهینه‌سازی و بعد کنترل شوند که آیا این اموال دارد درست استفاده می‌شود یا خیر؟ در راستای آن خدمات مدنظر هست یا نه؟ و ما از دل این، یک اموال اقتصادی بیرون بکشیم. آن طبقه‌بندی که در نیوزلند گفته شد، شاید اینجا نتوان به خوبی اجراء کرد ولی می‌توانیم یک سبدهای از دارایی‌ها اقتصادی داشته باشیم تا بتوانیم به اندازه گامی که می‌توانیم در مورد این دارایی‌ها برداریم، در خصوص دارایی‌های اقتصادی تصمیم‌گیری و آنها را مدیریت کنیم. من فکر می‌کنم علاوه بر این‌ها، ترازنامه دولت شفافیت‌های مالی را ایجاد خواهد کرد و این ثبتي هم که حتی خارج از ترازنامه دولت در مورد شهرداری و یا نهادهای بنیاد، حتی بنیاد مستضعفان، ستاد اجرای فرمان امام صورت می‌گیرد، شاید امروز این سطح به کار نیاید ولی در آینده می‌تواند در مدیریت نقش داشته باشد.

با توجه به ماهیت دارایی‌های بخش عمومی در ایران، شاید پیاده‌سازی آن طبقه‌بندی نیوزلند چندان راحت نباشد.

نیلوفر دمنه

من مناسب دیدم یک تأکیدی کنم بر اینکه چرا فکر می‌کنیم، شکل‌گیری این ترازنامه از لحاظ اقتصادی می‌تواند به سیاست‌گذاری بهتر اقتصادی منجر شود. ببینید یک مسأله یا یک رویکردی است که صندوق بین‌المللی پول چند مدتی است در حال ترویج آن می‌باشد، مبتنی بر آن که ماده خام سیاست‌گذاری اقتصادی در واقع به جای صورت عملکرد دولت، ترازنامه‌های دولت باشد. این پارادایم آنجا مهم می‌شود که سیاست‌گذاری بر مبنای عملکرد بودجه انجام می‌شود و این موضوع در کشورهای مختلف که ایران هم جزء آنهاست، مسأله‌ای جدی است. چون آن نگاه ترازنامه‌ای وجود ندارد، دولت‌ها می‌توانند بخشی از عملیات مالی خودشان را به خارج بودجه منتقل کنند و رد پای آن را در بودجه نگذارند. مثلاً دولت با





یک سری سیاست‌هایی می‌خواهد از اقشار خاصی یا گروه‌های خاصی حمایت کند و این را می‌خواهید از مسیر بانک‌ها تأمین مالی کنید و این در بودجه منعکس نمی‌شود. یا در واقع می‌خواهید بخش دیگری از سیاست‌های حمایتی را با واگذاری دارایی‌های خود تأمین مالی می‌کند و خیلی از بخش‌های این، به دلیل اینکه انعکاسی از ناترازی بودجه است، ما می‌بینیم در سند بودجه در واقع منعکس نمی‌شود. بنابراین، نگاه ترازنامه‌ای کمک می‌کند تا افشای درست‌تری هم از هزینه‌های دولت و هم از کسری بودجه دولت اتفاق بیفتد. مسأله‌ای که ما اسم این را در سازمان برنامه عملیات فرابودجه‌ای گذاشتیم. به علاوه، در نبود این نگاه ترازنامه‌ای ما در واقع آن وضعیتی که داریم بیان می‌کنیم، صورت وضعیت نقدی به علاوه انتشار اوراق ماست و خیلی از این بدهی‌هایی که خلق می‌کنیم را سالانه شفاف گزارش نمی‌کنیم. پس اهمیت موضوع نگاه ترازنامه‌ای برای ما خیلی زیاد است چون باعث انضباط مالی و پولی می‌شود. در غیر اینصورت، اتفاقی که در جریان است، هم اثر تورمی دارد و هم انضباط‌های مالی بودجه‌ای را به هم می‌زند.

نگاه ترازنامه‌ای کمک می‌کند تا افشای درست‌تری هم از هزینه‌های دولت و هم از کسری بودجه دولت اتفاق بیفتد.

مسأله مهم دیگر از نظرم در خصوص تضامین است. چند سالی است که ما در سازمان برنامه سامانه‌هایی را شکل دادیم که تضامین دولت در واقع احصاء می‌شود و سالانه حجم تضامین دولت معلوم است. مثلاً نزدیک به ۸۰ درصد سقف بودجه تضامینی که صادر می‌کنیم، به نوعی بدهی آتی است. چون تضامین ما هم تضامینی هستند که به کسانی می‌دهیم که معمولاً نکول می‌شود، یعنی خود فرد تضمین‌گیرنده بازپرداخت آن تضمین را انجام نمی‌دهد. از اینرو، به نظرم می‌آید بعد از احصای این تعهدات که حالا چند سالی است انجام می‌شود، باید سراغ قاعده‌گذاری برویم. یعنی اول سال بودجه‌ای ما قاعده‌هایی برای کنترل بگذاریم و سقف‌هایی را مشخص کنیم. در واقع، همین قاعده‌گذاری و محدود کردن تضامین در زمان ارائه بودجه و در سند بودجه خیلی مهم است که نظام قانون‌گذاری ما و نظام سیاست‌گذاری ما باید گام بعدی بردارند.

آقای روشن فکر

وقتی که دولت آقای هاشمی راه افتاد، با توجه به تجارب سایر کشورها مثل ترکیه، یکسری اموال یا مؤسسات به حوزه دولت وارد شد. مشکلاتی که این کار داشت این بود که خود این اموال یا شرکت‌ها یا مؤسساتی که به هر نوعی وارد حوزه دولت شدند، به دلایلی یک مقدار خودمختار بودند. دولت هم اقداماتی به صورت تدوین بخش‌نامه و دستورالعمل‌های انجام می‌داد ولی حریف کنترل آنها نشد. اخیراً هم ما دیدیم این شرکت‌های دولتی یا مثلاً بخش عمومی یا بخش نهادها و امثالهم را خواستند از حیث مثلاً مالیات سروسامان بدهند





که بحران‌هایی به وجود آوردند و بعد دولت عقب‌نشینی کرد. حتی دولت قبلی هم این کار را کرد و مسلماً اجرای این کار یک برنامه مثلاً ده ساله یا بیست ساله می‌خواهد تا کم‌کم آن نظم مدنظرمان را در مورد آنها اعمال کنیم. معمولاً در کشورهایی که ما سابقه‌شان را دیدیم، کشورهایی که مثل ما بودند با این برنامه جلو آمدند و مسلماً این مطالبی را که دوستان بیان کردند، در قالب آن برنامه ملی که ما باید تدوین کنیم، قابل پیاده‌سازی است. ببینید این مسأله برای ما مسأله ملی است و یک مشکل عمده ملی است. مثلاً انتقادی که آقایان به برنامه و بودجه داشتند، دقیقاً ریشه در همین موضوع داشت ولی چون عزیزان یک مقداری صراحتی که من دارم، شاید صراحت نداشته باشند ولی مهم است. یعنی این بحث‌ها مهم است که به دولت منتقل شود، بگوید آقا برای نظم این نهادها یک فکری بکنید که اینطوری نیست که ما کشوری باشیم که به هم ریخته هستیم.

حسین قربان‌زاده

از همه عزیزان، اعضای پنل، آقای پارسا، آقای بنانی، خانم دادگر، خانم دمنه، حضار محترم تشکر می‌کنم. این چون نشست پایانی ما هست و عملاً فکر کنم نشست پایانی رویداد هم تلقی می‌شود، من چند جمله‌ای عرض کنم.

تمام تلاش ما این بود که در این رویداد بتوانیم یک تلنگری به سیاست‌گذار و یک تبیینی برای افکار عمومی و یک تفاهمی بین فعالان اقتصادی و دست‌اندرکاران امر تصمیم‌گیری در خصوص واگذاری دارایی دولت برپا کنیم که ان شاء الله به یک توفیق نسبی رسیده باشیم. حتماً نتایج آن را باید در جمع‌بندی‌های مکتوب و تصویری در هفته‌های آتی عرضه کنیم. در مورد مشخصاً این نشست، چون من مسئول نشست نبودم، جناب آقای دکتر عادل آذر رئیس نشست بودند که جلسه پیش آمد و ما خواهش کردیم که در خدمت آقای دکتر پارسا و بقیه بزرگواران هم باشیم.

قاعدتاً موضوع این نشست، بسیار موضوع مهمی هست. این قصه ترازنامه دولت، هر چقدر تلاش در جهت کامل و جامع بودن آن و اشراف کامل دولت و حاکمیت به آنچه دارند، صورت گیرد باز این یک مسیر پرسنگلاخی است که به ویژه با جزئیاتی که بزرگواران توضیح دادند، حتماً نیاز به رنج بسیاری دارد و ما که ادعا داریم که می‌توانیم کارهای بزرگی انجام بدهیم، اولین کار بزرگ همین است که بدانیم چه داریم. به قول سعدی که گفت: تو در اوج فلک چه دانی چیست که ندانی که در سرایت کیست، قبل از هر چیزی این الماسی که روی آن هستیم را باید کشف کنیم و از آن دارایی‌هایی بسازیم که درآمد پایداری ایجاد کند.

تمام آنچه که امروز بر سر کسری بودجه خوب و بد وجود دارد و ما به روش‌های ناخوشایندی تا الآن متوسل شدیم در حالی که می‌توانستیم علیرغم وجود کسری بودجه با روش‌های بهتری آن را تأمین کنیم. حالا تلاش حاکمیت این شعار است که «بهبود کیفیت حکمرانی دارایی تجاری دولت» غایت ما تلقی





می‌شود و طبیعتاً با واگذاری‌ها به اشکال مختلف باید به آن هدف برسیم. آن طرف هم که آن خیزش خلق ارزشی که من در این همایش چند بار تأکید کردم، یک جنبشی را می‌طلبد که در بخش دولتی و در تمام اجزاء و سلول‌های این کشور با این عظمتی که دارد باید این اتفاق بیفتد و آلا ما نمی‌توانیم به اصلاحات امیدوار باشیم و به یک چشم‌انداز مطلوبی برسیم.

